

دیگران در خواب های

در خواب های دیگران

حسن احمدی



انتشارات کجاوه سخن سوره مهر



۱. خواب‌های دیگران

شهادی شرکت سیمان

نویسنده: حسن احمدی

طراح: حسن احمدی - نظوری

ویراستار: فریاد فخری

چاپ، صفحه‌بندی و طراحی: فریاد فخری
چاپ اول: ۱۳۹۸
شمارگان: ۲۵۰۰
شابک: ۹۶۱۷۳-۰۰-۶۲۲-۹۸۰

سرشناسه: احمدی، حسن، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور: در خواب‌های دیگران، هداایت سیمان / حسن
احمدی؛ ویراستار فرزانه فخریان.
مشخصات نشر: تهران: موسسه کجاوه سخن سوره مهر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص.

شابک: 978-622-96173-0-4

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان دیگر: شهادی شرکت سیمان.

موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Short stories, Persian -- 20th century

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- داستان

موضوع: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Martyrs -- Fiction

موضوع: شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات

موضوع: Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries

رده‌بندی کنگره: PIR۷۹۲۲

رده‌بندی دیویی: ۸۸۳/۶۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۸۲۹۴۷۲

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشته پلاک ۲۳
صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴
تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۰۵۳۱۹
تلفن مرکز پخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵
www.soremehr.ir

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

فهرست

۷	مقدمه
۹	نمی خواستم داستان بنویسم
۲۳	بنفش تپه
۵۱	برادرش همسایه مادرم بود
۷۲	دختری که پدرش را ندید
۹۳	عروسی در شهر دورود انجام شد
۱۱۵	مریم حرف‌هایی برای گفتن دارد
۱۳۹	هر کس زودتر بیدار می‌شد کفش‌ها را می‌پوشید
۱۶۵	مادر همچنان سکوت کرده است
۱۸۵	وقتی برگشت عباس را نمی‌شناخت
۲۰۷	اسناد و تصاویر

مقدمه

باید به دیدار نه خانواده می رفتم؛ در تهران و حومه آن و خانواده ای هم ساکن اندیمشک بودند. نمی دانستم از پس انجام کارهای کتاب بر می آیم یا نه. سال های گذشته در کنار چند کار مختلف، کارهای مطبوعاتی برایم جدی تر و مهم تر از بقیه بود. این کار، گفتگوی مطبوعاتی نبود. باید به شکل روایت تقریباً داستانی انجام می شد. باید پای صحبت های خانواده ها، همسران و فرزندان این شهیدان می نشستیم. از نه شهید، فقط مادر یکی از آنان در قید حیات بود. باید به گذشته ها می رفتیم. نگران بودم با یادآوری آن دوران، خانواده ها اذیت شوند. هنگام قرار و گفتگوها سعی می کردم با سوال ها و بیان خاطرات قدیم کسی را ناراحت نشود. کسی گریه نکند. نمی شد. بغض های سختی گاهی به گلو می خوردم هم چنگ می زد. گاهی در راه یا در خانه با یادآوری شنیده ها، اشک هایم جاری می شد.

هر جا می رفتم، با هر یک از این خوبان می نشستیم، احساس می کردم سال ها است آنان را می شناسم. همه مهربان و خونگرم بودند.

گفتگوها ساده بود و صمیمی و خانواده ها زلال و نجیب. سال ها سختی و دردهای بسیاری را تحمل کرده بودند. سپاسگزار ایشان هستم برای همراهی و کمک به من در نوشتن این کتاب که با روی گشاده و مهرهای فراوان ساعت هایی از عمرشان را با من به تماشا نشستند ؛ گفتیم و شنیدیم . امیدوارم ان شاء الله حاصل کار رضایت بخش باشد.

www.ketab.ir